

دین‌باوری و ادبیات توحیدی در منابع طب سنتی ایران و جهان اسلام

حسین حاتمی

محمد رنجباریان^۱

مریم حاتمی

ندا حاتمی

چکیده

مقدمه و هدف: تهذیب اخلاق، توجه به مبدأ و دقت در هدف‌داری در خلقت موجودات و از جمله انسان، در سرلوحه فعالیت‌های مرتبط با تحقیق، تعلیم و تعلم عرفا، شعرا، ادبا و دانشمندان افتخارآفرین میهنمان قرار داشته و رکن اصلی موفقیت‌ها و افتخار آفرینی‌های آنان را تشکیل می‌داده و آنان نیز در مطالعات و پژوهش‌های خود، تمامی پدیده‌های گیتی را با دید اعتقادی و هدفدار، ارزیابی نموده نهال قامت رعنائی آفریدگار قادر متعال را در ذره ذره جامدات و قطره قطره مایعات و لحظه لحظه اوقات مشاهده و بلکه با تمام وجود خود لمس می‌نموده از مطالعه نمودهای هستی، لذت می‌برده، توفیق آگاهی‌های بیشتر و کشف حقایق و دقایق جاری را از خالق بی‌مانند، طلب می‌کرده‌اند و جای هیچگونه تعجیبی نیست که این ارتباط، متقابل بوده خداوند نیز طبق قولی که به رهجویان راه حقیقت داده است، طرق دستیابی به رموز هستی را به آنان تعلیم می‌داده و ثمره این ارتباطات دوطرفه و با شکوه مکتب انسان ساز اسلام، چیزی جز رشد و ارتقای امثال ابن سینا، رازی، فردوسی.... و جرجانی در هزاره دوم میلادی نبوده است و بنابراین هدف از انجام این پژوهش، جستجوی سبک نگارش منابع اصلی طب سنتی، می‌باشد.

روش مطالعه: به منظور افزایش دقت مطالعه، پس از رایانه‌ای کردن منابع

۱- معاون فرهنگی دانشکده بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران
Email: m_ranjbariyan@yahoo.com (نویسنده مسؤول)

اصلی طب سنتی و تشکیل بانک اطلاعاتی الکترونیک این منابع، به جستجوی سبک نگارشی این آثار پرداخته، با گلوژه‌های ایزد، پروردگار، آفریدگار، جل و علا، عز و جل، عزاسمه، الله، قادر، متعال، معین و... به جستجو پرداخته و پس از جمع‌آوری و کُگذاری، به تجزیه و تحلیل محتوایی پرداخته‌ایم.

یافته‌ها: با ده‌ها واژه و جمله توحیدی و تعداد زیادی متن کوچک و بزرگ مرتبط با ادبیات توحیدی، مواجه گردیدیم. به طوری که رازی به عنوان نویسنده اولین دایره المعارف طب سنتی، بخش‌های مختلف کتاب حاوی را با نام و یاد پروردگار بخشنده مهربان و درود بر پیامبران الهی آغاز کرده، بیش از ۵۷۰ مرتبه کلمه جلیله الله، بیش از ۲۱۵ بار جمله دعاییه انشاءالله و... را در متن کتاب به کار برده است، اهوازی به عنوان نویسنده دومین دایره المعارف طب سنتی، نیز کتاب کامل الصنعه را با استفاده از ادبیات توحیدی به رشته تحریر درآورده است به طوری که هر دو جلد کتاب را با نام خداوند بخشنده مهربان و درود بر پیامبران الهی آغاز کرده، در مقدمه جلد اول از خداوند منان به خاطر عقل و خردی که به انسان عنایت کرده است، تشکر نموده در متن کتاب بیش از ۲۳۰ بار از کلمه الله استفاده کرده که بیشترین آن‌ها را عبارات «اگر خدا بخواهد»، «خدا داناتر است» و «به کمک خداوند» تشکیل می‌دهد. وی وصیت‌نامه معروف بقراط را نیز در کتاب خود درج کرده و مطالب دیگری در خصوص اخلاق پزشکی به آن افزوده است. ابن سینا به عنوان نویسنده سومین دایره المعارف طب سنتی، نیز کتب پنجگانه قانون در طب را با یاد پروردگار قادر متعال و درود بر پیامبران الهی آغاز کرده در متن کتاب، هرگاه به نکات مرتبط با هدفداری در ساختمان و فعالیت ارگان‌ها مواجه گردیده است، بلافاصله به ستایش خداوند پرداخته است و جرجانی به عنوان نویسنده چهارمین و آخرین دایره المعارف اصلی طب سنتی نیز

رویکردی همچون سه دانشمند موحد قبل از خود داشته است.

نتیجه‌گیری: دریافتیم که هرچند هر کدام از خردمندان شاعر و عارف و عالم، از زاویه‌ای به طبیعت نگاه کرده‌اند ولی درنهایت یک چیز را دیده‌اند! جلوه جمال حق را! حضور همیشگی پروردگار را، نظارت و مراقبت دایمی وی را!... شعرا از زاویه نمودهای عینی و زیبایی‌های طبیعت نگریسته، عرفا از زاویه مسائل ذهنی نگاه کرده و دانشمندان علوم طبیعی نظیر رویر، رازی، اهوازی، ابن سینا... و جرجانی از زاویه فیزیولوژی و آناتومی بدن نظاره کرده‌اند، ولی همگی زیبایی، عظمت، شکوه، نظم و هدفداری در خلقت و جلوه آثار خالق توانا را دیده‌اند و لذا آثار نفیس خود را با بهره‌گیری از اندیشه‌های مذهبی و ادبیات توحیدی، نگاشته و نتایج تحقیقات خود را با رعایت آنچه که امروزه اخلاق در پژوهش می‌نامیم، همراه با پیام خداجویی استدلالی به تمامی انسان‌ها ابلاغ و راه را برای نسل‌های بعدی خود هموار نموده‌اند.

واژگان کلیدی

دین‌باوری، ادبیات توحیدی، خداجویی، معنویت، عرفان، طب سنتی

مقدمه

در آن زمان که پرچم مجد و شکوه تمدن اسلامی را در دست داشتیم و دانش آموزانمان به ابن سیناها، رازیها، ابوریحانها، حافظها، سعدیها، عطارها، فردوسیها و... ارتقا می‌یافتند، ادبیاتمان توحیدی و ایمانمان محکمتر بود و تهذیب اخلاق را مقدم بر هر آموزش و پژوهشی می‌دانستیم، ولی در زمان ما ظاهراً برنامه مدوّنی برای ارج نهادن به این ارزش‌ها نیست و بسیاری از ما دانشجویان دیروز و معلّمین امروز دانشگاه، این خلا را امروزه بیش از هر زمان دیگر، احساس می‌کنیم! مخصوصاً که توفیق مطالعه برخی از متون پزشکی قدیم دانشمندان مسلمانی نظیر حکیم جرجانی، ابن سینا و رازی و عرفا و شعرای بزرگی نظیر فردوسی، سعدی، حافظ، عطار و پروین اعتصامی را نیز در سال‌های اخیر تا حدودی کسب نموده، شاهد چنین سبکی در کتب علمی و ادبی میهنمان بوده و پیام توحیدی این کتب را که با بهره‌گیری از «ادبیات توحیدی» بیان شده است، دریافت کرده، احساس وظیفه می‌کنیم چنین سبکی که برخاسته از عشق و ایمان سرشار آن بزرگان بوده است را برای نسل جوانتر و متصدیان پزشکی و بهداشت آینده یادآور شویم (حاتمی، حسین، ۲۰۰۴م). تا ما انسان‌هایی که مشغول کسب علم و هنر مهندسی دستگاهی هستیم که به دست توانای خداوند قادر متعال آفریده شده است، در لحظه لحظه زندگیمان و در کلمه به کلمه مطالعاتمان و کلیّه مراحل پژوهش‌هایمان در پیشگاه کبریایی او چهره مبارک خالق را بنگریم و هم به سوی او قدم برداشته به تعبیر امام خمینی (ره) عالم را محضر خدا بدانیم تا ما را لایق بداند و طبق قولی که در کتاب آسمانیش داده است، راه‌های مخصوص موفقیت‌های بزرگ را همان‌گونه که به ابن سینا، رازی و سایر دانشمندان موحد، آموخته است، به نسل فعلی پزشکی و بهداشت ایران که فرزندان آن بزرگواران می‌باشند نیز بیاموزد^۱ و توفیق پیمودن

راه علم همراه با معنویت و ایمان را مرحمت فرماید؛ بنابراین هدف از انجام این پژوهش، بررسی منابع اصلی طب سنتی و جستجوی سبک نگارشی رازی، اهوازی، ابن سینا، جرجانی و امثال آنان بوده است، تا بلکه بدین وسیله بتوانیم ردپایی از ارتباط معنویت و سلامت و یا دین و سلامت که در حال حاضر به فراموشی سپرده شده است ولی به عنوان یکی از نیازهای بهداشتی به وسیله سازمان جهانی بهداشت مورد تأکید قرار گرفته است (آستون و جاکوب، ۲۰۰۵م)، نیز بیابیم.

روش تحقیق

به منظور افزایش دقت مطالعه، پس از رایانه‌ای کردن منابع اصلی طب سنتی یعنی: الحاوی رازی، کامل الصناعه اهوازی، قانون در طب ابن سینا و ذخیره خوارزمشاهی و تشکیل بانک اطلاعاتی الکترونیک، به جستجوی سبک نگارشی این کتاب‌ها پرداخته، با گلوآژه‌های ایزد، پروردگار، آفریدگار، جل و علا، عز و جل، عزاسمه، الله، قادر، متعال، معین و... به جستجو پرداخته و پس از جمع آوری و کُدگذاری یافته‌ها، به تجزیه و تحلیل محتوایی پرداخته‌ایم.

نتایج

الف: خردمندان از دیدگاه قرآن و تعریف ادبیات توحیدی خداوند سبحان در بسیاری از آیات قرآن مجید و از جمله در آیات ۹۱-۱۹۰ سوره آل عمران، برخی از صفات خردمندان را برشمرده و متذکر شده است: آن‌ها کسانی هستند که در خلقت آسمان‌ها و زمین و چگونگی آمد و شد شب و روز، تفکر و تدبّر نموده آثار حکمت الهی را در سراسر هستی مشاهده کرده عملاً با تمامی حرکات و سکنات و رفتارهای خود به ذکر معبود قادر متعال، پرداخته به هدفدار بودن خلقت، گواهی می‌دهند (قرآن).^۳

ب - مثال‌هایی از ادبیات توحیدی در متن برخی از آثار مکتوب خردمندان:

۱ - پروفیسور رویر

یکی از این خردمندان، پروفیسور رویر، آناتومیست موحد فرانسوی است که عمر پربرکت خود را در راه پژوهش در هستی و دستیابی به حقیقت، سپری کرده است و در کتاب نفیس حیات و هدفداری می‌نویسد: «حیات، کار تصادف نبوده و نمی‌تواند باشد. بلکه کار فکری خلاق و مافوق طبیعی یعنی خداست که بذر حیات را در جهانی که آماده پذیرش آن بوده شکوفا کرده است» و سپس بی آنکه توقفی در آن حاصل شود و بدون آنکه منشأیی غیر از موجود زنده داشته باشد با انتقال از یک موجود زنده به دیگری ادامه یافته است. ولی هنگامی که خالق، ابداع حیات نموده مقصدی هم برایش معین کرده است که موجودات جاندار با طی تغییراتی که قسمتی از آنها را لایه‌های زمین شناسی حفظ کرده است، به سوی آن روان شده‌اند. بدین سبب است که علیرغم شباهتی که باید به طور طبیعی بین یک موجود و اسلافش باشد، دنیای حیوانی تکامل و تحول یافته و موجودات جدیدی ظاهر گشته‌اند و به دنبال شکل‌هایی که منقرض شده‌اند آشکال دیگری جانشین گشته‌اند. از پیداشدن اولین موجودات زنده و در طول میلیون‌ها سال تا دوره ما موجودات زنده‌ای پدید آمده‌اند که از اسلاف مولد خود با اختلافات کم و بیش دامنه‌داری خود را متمایز ساخته‌اند.

جهش‌های خواسته شده که زمینه آن‌ها پیشاپیش فراهم شده است و دارای اهمیت فراوانی بوده و اعضاء را پیوسته به پیچیدگی و تفصیل بیشتری سوق می‌دهند، موجب تشکیل دسته‌ها و رده‌های دنیای حیوانی شده‌اند، در عین حال این جهش‌ها برای هریک از این گروه‌ها سازش شایسته‌ای را با شرایط جدید زندگی تأمین می‌نمایند (رویِر، ۱۹۴۴م).

۲- صدر المتألهین (ملاصدرا)

خردمند فیلسوف دیگری به اسم ملاصدرا این نقشه ازلی را «حرکت جوهری» نامیده است. (ملاصدرا، ۱۶۴۰-۱۵۷۲ش.) طبق نظریه این فیلسوف عالیقدر جهان اسلام ماده، بر اثر یک سلسله حرکات تکاملی که در ذاتش پدید می‌آید دارای استعدادی می‌شود که دیگر خاصیت مادی ندارد، یعنی: ماده پس از طی مراحل تکاملی، حالتی غیرمادی پیدا می‌کند.

طبق نظریه ملاصدرا در تمام پدیده‌های جهان غیر از حرکات معمولی یک حرکت آرام تکاملی نیز وجود دارد که به تدریج آنها را به مراتبی بالاتر از آنچه که فعلاً هستند، سوق می‌دهد و این حرکت به اصطلاح این فیلسوف اسلامی، «حرکت جوهری»، نامیده می‌شود. یعنی حرکتی که استعداد انجام آن بالقوه در ذات اشیاء وجود دارد.

۳- مولوی

مولانا جلال الدین بلخی خردمند، در دفتر ششم، می‌گوید:

چون نمی داند دل داننده‌ای	هست با گردننده گرداننده‌ای
چون نمی‌گویی که روز و شب بخود	بی خداوندی کی آید کی رود
گرد معقولات می‌گردد بیین	این چنین بی عقلی خودای مهین
خانه با بنا بود معقولتـــــر؟	یا که بی بنا بگوای کم هنر
خانه ای با این بزرگی و وقار	کی بود بی اوستادی خوب کار
خط با کاتب بود معقولتـــــر؟	یا که بی کاتب؟ بیندیش ای پسر
جیم گوش و عین چشم و میم قم	چون بود بی کاتبی ای متهم
شمع روشن، بی زگیراننده‌ای؟	یا بگیراننده داننده‌ای؟

(مولوی، ۱۹۲۶م.)

۴ - حکیم ابوالقاسم فردوسی

فردوسی خردمند می گوید:

سختن هیچ بهتر ز توحید نیست	بنا گفتن و گفتن ایزد یکیست
نخست از جهان آفرین یاد کن	پرستش برین یاد بنیاد کن
کزو بست گردون گردان پای	هم او بست بر نیکویی رهنمای
جهان پُرشگفتست چون بنگری	ندارد کسی آلت داوری
که جانت شگفتست و تن هم شگفت	نخست از خود اندازه باید گرفت
و دیگر که بر سرت گردان سپهر	همی نو نمایند هر روز چهر

۵- خواجه عبدالله انصاری

عارف کامل، خواجه عبدالله انصاری چنین سروده است:

مست توام از جرعه و جام آزادم مرغ توام از دانه و دام آزادم
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو ورنه من از این هردو مقام آزادم
الهی روزگاری تو را می جستم خود را می یافتم، اکنون خود را می جویم و تو
را می یابم.

۶- حافظ

حافظ خردمند، با اشاره به آغاز رسالت حضرت موسی (ع) و رویت جلوه
نورانی جمال حق از میان شاخه های درخت، می گوید:

بلبل زشاخ سرو به گلبانگ پهلوی میخواند دوش درس مقامات معنوی
یعنی بیا که آتش موسی نمود گل تا از درخت، نکته توحید بشنوی
(غزل شماره ۴۸۶)

۷- ابن سینا

ابن سینا^۷ خردمند در مقابل هدفداری در خلقت مثانه، سر تعظیم فرود آورده چنین می‌نگارد: «آفریدگار توانا بدون کمک و یاری هیچ دستیاری کارگاه وجود انسان را چنان با دقت آفریده است که هیچ نقص و خللی در آن وارد نیست. به راستی که کسی جز او سزاوار پرستش نمی‌باشد» (Avicenna-a) و همه اینها یعنی ادبیات توحیدی و اینک که با ذکر مثال‌های فوق، مفهوم ادبیات توحیدی مشخص شد، از این منظر به منابع اصلی پزشکی نیاکان می‌پردازیم و متون مورد اشاره را بررسی می‌کنیم:

ج- یافته‌ها و بحث در کتاب قانون در طب

ابن سینا در کتاب نفیس قانون که بزرگترین دایره‌المعارف پزشکی عصر او بوده و یکی از دستمایه‌های مسلم طب نوین می‌باشد، بارها عظمت خالق منان را ستوده با نام او آغاز کرده، به یاد او ادامه داده و با لطف او به اتمام رسانده است. به طوری که در آغاز کتاب اول قانون در طب می‌فرماید:

ستایش باد یزدان را که سزاوار ستایش است به سبب بزرگواریش و کثرت الطافش و درود بر سرور و پیامبر ما محمد (ص) و دودمان او. و پس از نگارش چند سطر بعنوان مقدمه، چنین ادامه می‌دهد: اگر به یاری یزدان بزرگ، این کتاب پایان پذیرد، در تعقیب آن کتاب «اقرابادین» را تألیف می‌کنم. اگر خداوند آجل^۸ در آجل مهلتی دهد و سرنوشت مرا یاری کند کوشش دیگری در این زمینه درپیش دارم (ابن سینا) و کتاب دوم قانون را با جملات زیر، آغاز می‌کند: سپاس یزدان را، و درود بر بندگان برگزیده او. بعد از ستایش خداوند و درود بر فرستادگان او، این کتاب دومین کتاب از کتبی است که در علم طب نوشته‌ایم (Avicenna-c).

و در آغاز کتاب سوّم نیز یاد و نام خدا را سرلوحه کار خود قرار داده چنین نگاشته است: سپاس یزدان را و سلام بر بندگان یزدان پرست و درود بر فرستادگان خدا باد (Avicenna-d) و در ادامه کتاب، گاهی در رابطه با تشریح ساختمان یک ارگان یا اشاره به وظایف آن عضو، با رؤیت آثار قدرت حق و هدف‌داری در خلقت آن ارگان، عنان اختیار، از کف می‌دهد و شروع به ستودن خالق می‌نماید، مثلاً وقتی اشاره به شناخت غریزی داروها به وسیله «پرستو» می‌کند کار تألیف را موقتاً متوقف نموده اظهار ارادتی به پیشگاه خالق منان می‌نماید و مجدداً کار را ادامه می‌دهد «بزرگی پروردگاری را سزااست که هرچیزی را که به وجود آورده رهنمونی کرده است» (Avicenna-e).

و هم در این رابطه وقتی به هدف‌داری در ساختمان روده‌ها می‌رسد چنین می‌فرماید: «خداوند تبارک و تعالی، جل جلاله که نامش فرخنده‌ترین نام‌ها و احکامش عادلانه‌ترین احکام است و به جز او خدایی نیست که سزاوار پرستش باشد از لطف و عنایتی که با زمره آدمیان دارد و هم از ازل بر نیازمندی‌های زندگی آگاه بوده است، روده‌ها را در تعداد زیاد و دارای پیچ و خم و چنبر زده آفریده است. اگر روده انسان یکی بود یا کوتاه‌تر از این بود که هست، فاصله میان غذای فرو داده از گلو تا معده چندان نبود که انسان از آن بیاساید، غذا چنان سریع به انتهای روده می‌رسید که اندرون همیشه تهی می‌ماند و آدمی پیوسته و بدون وقفه به خوردن غذا اشتغال داشت و در عین حال می‌بایست دائماً مشغول دفع مدفوع باشد و اگر کار و بارش منحصر به خوردن می‌شد، چگونه می‌توانست بکار زندگی برسد؟ و اگر کار نمی‌کرد خوراک را از کجا می‌آورد؟ از سوی دیگر بایستی برای دفع آن همیشه آماده باشد و حالت فوق‌العاده اعلام کند! در انتظار بیرون دادن تفاله خوراک رنج بکشد و بر خود بیچد، به چشم گرسنگی و سیر

نخوردن مبتلا می‌شد و با حیوانات چرنده، هم مسلک می‌گشت (Avicenna-f).

خداوند تعالی پیچ در پیچ‌هایی در روده‌ها به وجود آورده است تا اگر ماده غذایی در جزیی از اجزای روده بدون برخورد با دهانه رگ مکنده جلو برود، در قسمتی دیگر با بخشی دیگر از رگ‌های مکنده غذا از روده مواجه شود و آنچه که از دسترس بعضی رگ‌ها خارج شده، رگ‌های دیگری سر راهش باشند و آن را در یابند (Avicenna-f).

و در مقابل هدف‌داری در خلقت مثانه نیز سر تعظیم فرود آورده چنین می‌نگارد: آفریدگار توانا بدون کمک و یاری هیچ دستیاری، کارگاه وجود انسان را چنان با دقت آفریده است که هیچ نقص و خللی در آن وارد نیست، هر چیز را در اندازه‌ای که لازم است بدون کم و کاست و بدون فزونی در این دستگاه قرار داده است. برآستی که کسی جز او سزاوار پرستش نیست. چنان‌که برای مواد دفعی، آوندی طرح ریزی شده که تفاله و ماده بیرون ریختنی پرمایه به تدریج در آن جمع آید و در وقت لازم و بایسته یک‌باره بیرون داده شود و انسان ناچار نباشد که همیشه به اجابت مزاج بنشیند. همچنان خداوند بزرگ و خالق بی‌نظیر برای جابجا کردن آب بی‌مصرف و دور ریختنی در جسم انسان حوضچه‌مانندی خلق کرده است. که آب بیرون دادنی، کم کم در آن می‌ریزد و در وقت لازم همه‌اش یک‌باره بیرون داده می‌شود، نه این‌که انسان هر لحظه به دفع ادرار سرگرم باشد چنان‌که مبتلایان به تکرر ادرار، این حالت را دارند (Avicenna-g).

خداوند تبارک و تعالی - که تواناییش سزاوار ستایش است - گلو مانده‌ای را برای دفع ماده آبی دفع شدنی، رو به سوی مجرای خروجی ادرار، قرار داده است. این گلو مانند - که تنبوشه‌ایست - از مثانه تا آلت بول ریز به خارج ادامه دارد و دارای چندین پیچ و خم است. حکمت در خلق این پیچ و خم‌ها این است

که ماده آبی یک باره و همگی به بیرون راه نیابد. به ویژه در نرینه این پیچ و خم‌های تنبوشه بیشتر از آن است که در مادینه هست (Avicenna-g). و به تشریح نخاع که می‌رسد، بار دیگر به ستایش پروردگار قادر متعال پرداخته می‌نویسد:

«آفریدگار که نامش گرمی است، نخاع را به همان طریق که جویی از چشمه جدا می‌شود از مغز جدا کرد و به بخش‌های زیرین بدن بخشیده تا سهم و حصه اعصابی که در اطراف و اکناف بدن هستند از آن انشعاب برداشته شود و هر یک به تناسب تعادل و پیوستگی با اندام‌ها به سهم خود برسد و از این نظر ستون پشت را برای نخاع به شکل مجزا و گذرگاه محفوظی قرار داد (Avicenna-h). و در بحث مزاج‌ها چنین نوشته است:

بدان که ایزد توانا هر جاننداری و هر اندامی را مزاجی بخشیده است که به آن سزاوار است و این مزاج با توان و تحمل وی سازگار است و با احوال و کردارش متناسب است (Avicenna-i).

خداوند، معتدل‌ترین مزاج جهان هستی را به انسان ارزانی داشته است. مزاج انسان مناسب نیروی او و متناسب با کنش‌ها و واکنش‌های اوست. هر اندامی را نیز مزاجی بخشیده است که برازنده آن اندام است، برخی از اندام‌ها را گرم، بعضی از آنها را سرد، عده‌ای را خشک و تعدادی را مرطوب آفریده است (Avicenna-i) و بینش توحیدی خود را در رابطه با جریان‌ات حین تولد نوزاد، با بهره‌گیری از ادبیات توحیدی، چنین نگاشته است:

ظاهراً می‌توان گفت که به هنگام تولد، طبیعت و نیروی تشکیل دهنده جنین به کمک پرورده خود می‌آیند. مفاصل اطراف زهدان را از هم جدا می‌سازند و آن را از هر سو توسعه می‌دهند. در نتیجه چندان گشاد می‌شود که هرگز در غیر

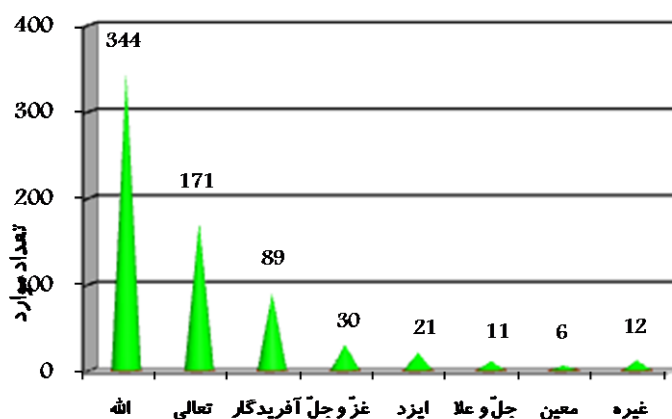
حالت زایمان، این گشادی حاصل نمی‌شود و همین که زهدان از جنین فارغ شد، مفاصل از هم فاصله گرفته به حالت سابق بر می‌گردند و زهدان حالت طبیعی خود را باز می‌یابد. اما در حقیقت نباید فراموش کرد که امداد غیبی دست اندر کار است و تنها اراده و مرحمت خداوندی است که فریادرس و مشکل گشاست. همان امدادهای غیبی خداوندی است که جنین را در زهدان پرورش داده و راه خروج را به رویش گشوده و تا جنین زنده است و در دنیا پرورش می‌یابد، امداد غیبی خداوندی دستش را گرفته و پا به پا همراه او است، و جنین هیچ‌گاه بر نمو کردن و بالیدن خود آگاه نیست (Avicenna-j) و سپس چند آیه از سوره مؤمنون را در ادامه متن کتاب و نه به عنوان زیرنویس، درج می‌کند^۴ (Quran-c) و مطلب علمی را ادامه می‌دهد.

یادآور می‌شود که ایشان همواره در سایه استعانت از درگاه الهی و سعی و کوشش شبانه روزی، راه تعلیم و تعلم و پژوهش را پیموده، آن گونه که خود، در خاطراتش ذکر کرده است، خداوند را یار و یاور خود دانسته، همواره در حل مشکلات، از او استعانت می‌جسته است. وی در این رابطه می‌فرماید: «هرگاه در مطالعه به مشکلی بر می‌خوردم که از حل آن عاجز می‌شدم به مسجد می‌رفتم، نماز می‌گزاردم و حل آن مشکل را از مبدع کل می‌خواستم» (Goharin S, 1995).

د - یافته‌ها و بحث در کتاب ذخیره خوارزمشاهی

حکیم جرجانی هر ده جلد کتاب ذخیره را با بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ کامل، شروع کرده در آغاز جلد اول بر پیامبر و خانواده او درود می‌فرستد (Jorjani-a)، در آغاز کتاب ششم، دعای پر معنای «اَللّٰهُمَّ وَفَقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضٰی» (خداوندا ما را در آنچه که مورد رضا و رغبت توست موفق گردان) (Jorjani-b) را بر قلم خود جاری می‌نماید، در پایان برخی از کتب از اینکه موفق به تألیف آن کتاب شده

است، بار دیگر خداوند را بر این حُسن توفیق می‌ستاید، در سراسر کتاب خود بارها از جمله دعاییه «انشاءالله» استفاده نموده، کراراً تقدیر الهی و هدفداری در ساختمان و فعالیت‌های ارگان‌ها را گوشزد کرده به ترتیب نزولی از واژه‌های ذیل، به فراوانی استفاده کرده است: الله، تعالی، آفریدگار، عَزَّوَجَلَّ، ایزد، جَلَّ وَ عَلا، معین، عزاسمه، قادر،.... و پروردگار (نمودار ۱).



نمودار ۱ - میزان فراوانی واژه‌های توحیدی در متن ذخیره همان‌گونه که در نمودار شماره ۱ ملاحظه می‌گردد حکیم عالیقدر در کتاب ذخیره، بیش از ۳۴۰ بار از کلمه جلیله الله استفاده نموده و بیشترین فراوانی را جمله دعاییه انشاءالله به خود اختصاص داده است که ذیلاً با ذکر مثال‌هایی به نحوه به کارگیری این کلمات و جملات در متن کتاب ذخیره، اشاره می‌گردد:

۱ - خواجه ابوعلی سینا رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید این سخن نزدیک من عظیم است یعنی این معنی مرا درست می‌آید و بعد از این در کتاب معالجات، سخن اندر تَفَرَّقْ لِاتِّصَالَ به شرح، گفته شود، اِنْ شَاءَ اللهُ تعالی (Jorjani-c)

۲ - ... این سبب‌ها و احوال آن اندر کتاب سوم که کتاب حفظ الصحه است یاد کرده آید، انشاءالله تعالی (Jorjani-d) ۳ - شایان ذکر است که استاد جلیل‌القدر، در متن کتاب خود به اسامی چندی اشاره فرموده و به راه خود ادامه داده است ولی به نام حدود ۵ نفر که رسیده است جمله دعاییه رَحِمَهُ اللهُ، به قلم مبارک او جاری گردیده و آنچه که درخور تعمق است اینکه از مجموع ۹۱ بار حدود ۷۸ مرتبه آن مربوط به نام ابن سینا بوده است (Hatami H, 2009) که نه تنها نشان‌دهنده حد اعلاى بهره‌گیری حکیم جرجانی از محتوای قانون ابن سینا بلکه حاکی از ارادت خاص و اقتدای سید عالیقدر به مقام شامخ ابن سیناست. وی می‌نویسد:

۴ - خواجه ابوعلى سینا رحمه الله می‌گوید من صواب آن بینم که مقل حل کنند و آن را به آب مقل بسرشند و اقراص کنند و کسی را که تب، سخت گرم نباشد شاید داد (Jorjani-e).

۵ - ...خواجه ابوعلى سینا رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید من این نوع نخستین را به نواحی دهستان دیده‌ام رنگ آن به سرخی دارد و بد ماری است و علاج او پس از علاج‌های مشترک، علاج افعی است (Jorjani-f) ۶ - پس از آن روزگار پیری باشد و اندر این روزگار، سستی قوت‌ها پدید می‌آید تا آخر عمر که ایزد تعالی تقدیر کرده باشد و فضیلت عمر پیری آن است که بعضی مردمان باشند که مدت عمر ایشان به تمامی شصت سال رسد و با عمر کودکی و جوانی و کُهلای برابر آید و جمله عمر ایشان به صدویست سال رسد باذن الله عز و جل (Jorjani-g).

۷ - وی، هدف‌داری در تقعر کف پاها را این چنین توصیف نموده: «و کف پای از سوی اندرون تهی کرده و از زمین برداشته، تا اندر وقت رفتن پای‌ها را سبک‌تر از زمین بر توان ربود و بتوان دوید (Jorjani-h)، فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ».

(Quran-d).

۸- در مورد اعصاب محیطی، چنین نگاشته است: «آفریدگار تبارک و تعالی نخاع را از دماغ رویانیده است، پس از نخاع برابر هر اندامی عصبی بیرون آورده و بدان اندام پیوسته تا حس و حرکت به میانجی این عصب‌ها بدان اندام‌ها می‌رسد بِإِذْنِ اللَّهِ وَحُسْنِ تَقْدِيرِهِ» (Jorjani-i).

۹- و نیز می‌نویسد: «بباید دانست که کارهای طبیعت کاری اتفاقی و بیهوده نیست، لکن عنایت ایزدی است که طبیعت را این قوت‌ها که یاد کرده شد بداده است و ارزانی داشته و قوت‌ها را بر این داشته که کار بر نسقی راست می‌رانند و دلیل بر آنکه این قوت‌ها هست آن است که چون نر و ماده به هم نزدیک شوند، کار هر دو برآید و لذت هر دو حاصل گردد و نر و ماده را از این کار جز لذت قصدی و غرضی نیست و هیچ اندیشه آن نه که تا آب ایشان کجا شود و از آن چیزی حاصل گردد و یا نگردد و اگر نه قوت طبیعی اندر رحم از بهر این کار افتاده است که به عنایت ایزدی آن آب‌ها را در حال بگیرد و نگاه دارد آن آب ضایع شدی و اگر نه قوت جاذبه استی که خونی به اندازه و شایسته غذای او جذب میکند غذا از کجا یافتی و چگونه پرورده شدی و اگر نه قوت مُدَبِّرَه استی که این قوت را بر این کار دارد تا غذا به اندازه جذب کند ممکن بودی که بیشتر جذب کردی و نطفه اندر وی غرق شدی یا کمتر جذب کردی و پرورده نشدی یا بودی که غذاهای غلیظ جذب کردی و شایسته نیامدی یا لطیف‌تر جذب کردی و بدو پیوسته نشدی و مانند نگشتی و اگر نه قوتی است که آنرا مُعَيَّرَه اولی گویند از یک منی یکسان چندین گونه اندام‌ها چون دل و دماغ و استخوان و عصب و عروق و شرابین چگونه پدید آمدی و اگر نه قوت مصوره استی که به تدبیر قوت مدبره شکل‌های اندام‌ها و تهی و پُری و خردی و بزرگی و سختی و نرمی آن پدید می‌کردی از یک منی یکسان، چندین گونه ترکیب چگونه پدید آمدی و اگر

نه قدرت غاذیه استی و دیگر نامیه چه واجب کردی که خون طمث غذای او شدی و اندر رحم ببالیدی و بزرگ شدی اینهمه به تقدیر و تدبیر آفریدگار است فتبارک الله احسن الخالقین» (حرکت جوهری) (Jorjani-j) و هم در این رابطه است که نویسنده موحّد کتاب حیات و هدفداری می‌نویسد: «روابط متقابل، دلیل نمایانی از فلسفه آفرینش می‌باشد زیرا این روابط وجود یک نقشه و اراده‌ای را آشکار می‌کند. این نقشه در تشکیلات قابل تحسینی که برای انجام دقیق‌ترین تظاهرات اعمال حیات اختصاص یافته‌اند، موجود می‌باشد؛ اما این نقشه مدیون فکر خلاقش می‌باشد و وجود اراده‌ای را اثبات می‌کند. پس چون نتیجه اراده این سازنده، شاهکاری با عظمت و کامل بوده است، به علت این عظمت و کمال، نمی‌تواند موجد آن بجز قدرتی مافوق نیروهای طبیعی چیز دیگری باشد» (Rovier h. 1944).

۱۰- حکیم جرجانی می‌افزاید: «آفریدگار تبارک و تعالی کاسه سر از استخوان آفرید تا سلاحی باشد که آفت‌ها از دماغ باز دارد، و شکل او گرد آفرید دو معنی را: یکی آنکه تا آفت‌ها کمتر پذیرد، چه دورترین شکل‌ها از آفت‌ها، شکل گرد است، دوم تا مغز که می‌باید در میان آن باشد بیشتر بگنجد» (Jorjani-k) و در مجموع به هر کدام از ارگان‌های باعظمت بدن که رسیده نهال قامت رعنا آفریدگار را دیده و ضمن توضیحات لازم در حد بضاعت علمی آن زمان ولی درک عرفانی متعالی، به ستایس پروردگار نیز پرداخته است.

۱۱- علامت‌های مزاج‌های اصلی و عارضی در باب هفتم از گفتار دوم از کتاب نخستین یاد کرده آمدست، بعون الله تعالی (Jorjani-l).

۱۲- این همه از بهر آن که تا نسل مردم باقی مانند چندان که آفریدگار تبارک و تعالی تقدیر کردست و اگر نه آنست که این فراموش‌کاری پدید همی‌آید و قوت بهیمی غالب می‌شود هرگز کدام عاقل این کار کردی (ازدواج) و این

غم‌های فرزندان که یاد کرده‌آمد بخویشتن کشیدی هر که این معنی فهم کند به کمال قدرت و حکمت آفریدگار تبارک و تعالی اقرار دهد و (Jorjani-m) باخلاص بگوید: ذالك تقدير العزيز العليم (Quran-e).

۱۳- وی هدف‌داری و برنامه ریزی مدبرانه را نه تنها در شکل و اندازه و انسجام و هماهنگی اعضاء مختلف بدن انسان بلکه در تمامی نمودهای هستی، مشاهده کرده زمین را بستر مناسبی می‌داند که برای ادامه حیات، گسترده و به مناسب‌ترین طریقه ممکن، آب مورد نیاز آن تأمین گردیده و به دلیل نیاز موجودات مختلف به آب‌های همراه با املاح مناسب، آن‌را با املاح لازم، ممزوج نموده است. او در این مورد چنین نگاشته است «باید دانست که آن سبب عنایت ایزد است سبحانه و تعالی که پاره‌ای از زمین از آب برهنه کرد تا آرامگاه آدمیان و دیگر جانوران باشد و عنایت دوم آنست که اینجا که از آب برهنه کرد بیشتر آن از سوی شمالی کرد تا این آرامگاه خوشتر باشد و هوای آن درست‌تر و صافی‌تر و باشندگان در آن تندرست‌تر و قوی‌تر باشند و عنایت سوم آنست که چون اینجا از آب برهنه کرد علم او از پیش رفته بود که باشندگان زمین را از آب چاره نباشد و بر این پاره زمین جایگاه آب و جایگاه زمین را یکی کرد و آب را در وی براند و پراکنده کرد تا به همه جای به اندازه می‌رسد ... فتبارك الله احسن الخالقين» (Jorjani-n).

جالب توجه است که با پیشرفت علوم و به کارگیری تکنولوژی پیشرفته نه تنها انسان نتوانسته است منکر وجود نظم و هماهنگی و هدف‌داری در جهان هستی شود، بلکه با درک عمیق‌تر، و دلایل محکم‌تری با بهره‌گیری از ادبیات توحیدی، دخالت قطعی فکر خلاقه‌ای در خلقت هستی، را بیان نموده است به طوری که در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی، به فاصله بیش از شش قرن پس از

رحلت حکیم جرجانی، آناتومیست فقید فرانسوی پرفسور رویر در کتاب حیات و هدفداری می‌نویسد: «بطور خلاصه، عناصر اصلی ساختمان ماده زنده، عناصری که قسمت بیشتری از توده آن را می‌سازند، اجسام ساده‌ای می‌باشند که وزن اتمی کم دارند و در آب محلول هستند و دمای مخصوصشان بالا است و به مقدار زیاد در طبیعت یافت می‌شوند. اگر این اجسام چنین صفات و ویژگی‌ها را نداشته باشند، حیات به وجود نخواهد آمد. معهذا تمام اجسام ساده سبکی که این صفات و اختصاصات را که شرح دادم دارا هستند، در موجود زنده یافت نمی‌شوند. بلکه انتخابی به عمل آمده است که مواد سبک و بی‌فایده را حذف کرده است و برعکس بعضی مواد سنگین را که به مقدار متناسب برای تشکیل بدن ضروری بوده‌اند به اندازه خیلی کم اضافه نموده است. بین نتیجه از پیش خواسته شده و ساختمان ماده زنده که کوچکترین اجزای آن مناسب برای کارهای متعددش می‌باشد، توافق و تناسب کاملاً نزدیکی هست.

در اعلی مرتبه تکامل و بر اثر آن، جهشی منتهی به تشکیل انسان شده است، انسانی که در سطح خیلی بالایی بر تمام دنیای حیوانی در سایه فکر خود تسلط دارد و این فکر، انسان را به آن حد بالا برده است که به او اجازه می‌دهد حتی خالق خود را درک کند».

۱۴- و اگر نه آنست که آفریدگار تبارک و تعالی دماغ را بر بالای همه تن نهاده است به سبب نرمی و نازکی و نرمی، همیشه فضله همه اندام‌ها بدو آمدی و دماغ، آن را دفع نتوانستی کردن و قوت‌های او همه تباه بودی و همه افعال دماغی با آفت بودی، تبارک الله ارحم الراحمین (Jorjani-o)، ۱۵- ایزد تعالی مهره‌های فرودین را بزرگ‌تر و محکم‌تر آفرید، و هرچه بالاتر است کوچک‌تر و سبک‌تر آفرید. و چون مهره‌های گردن، خردتر است و سبک‌تر و گذر نخاع که اندروست فراخ‌تر،

و این هردو سبب ضعیفی باشد، ایزد جل و علا گوهر این مهره‌ها را صُلب‌تر از دیگر مهره‌ها کرد تا هر دو سبب را اندر یافته باشد (Jorjani-p).

هـ- یافته‌ها و بحث در اولین و دومین کتب پزشکی به زبان فارسی

اولین و دومین کتب فارسی پزشکی نیاکان یعنی کتاب ابنیه و کتاب هدایت (الابنیه لحقایق الادویه و هدایه‌المتعلمین) حاصل شد. کتبی که قدمت آن‌ها به قرن چهارم هجری و در واقع به قبل از کتاب قانون و ذخیره خوارزمشاهی برمی‌گردد و جالب توجه است که این نگارش روح‌افزا و آرامبخش، در این دو کتاب و مخصوصاً در کتاب هدایت نیز جلب توجه می‌کند به طوری که کتاب ابنیه با مقدمه زیبای زیر آغاز می‌شود:

سپاس باد یزدان دانا و توانا را که آفریدگار جهان است، و داننده آشکار و نهان است، و گرداننده چرخ زمان است، و دارنده جانوران است و آورنده بهار و خزان است و درود بر محمد مصطفی (ص) که خاتم پیغامبران است و آفرین بر اصحاب اوی و اهل بیت و گزیدگان اوی و درود بر همه پیغامبران ایزد و همه فرشتگان و همه پاکان که اولیای خدای عزوجل بودند و خلق را به راستی پند دادند و به یزدان راه نمودند و بساط حق بگسترده و آفرین به همه نیکوکاران که از هوای این جهانی پرهیز کردند و توشه آن جهان برداشتند و عمر اندر رضای ایزد بگذاشتند (Harawi AMM. 977).

و کتاب هدایت نیز با مقدمه زیر، شروع می‌شود:

سپاس ایزد را که آفریدگار زمین و آسمان است و آفریدگار هرچه اندرین دو میان است، از معدنی و نباتی و حیوانی بیافرید این چهارگونه خلق را، یعنی

آسمانی چون افلاک و ستارگان جنبنده و ناجنبده و آتش و هوا و آب و خاک بیافرید این چیزها را نه از چیز، فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ و باز سبب گردانید این چیزها را پدید آوردن اجسام معدنی و نباتی و حیوانی را به غذا یافتن و استمداد از یکدیگر به قدرت و حکمت خویش، فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ. و از جمله حیوانات، انسان را برگزید و شایسته گردانید خدمت خویش را و آراسته کرد جان انسان را به خرد روشن و از میان انسان‌ها پیغامبران آفرید و گرامی گردانیدشان به وحی که به آن‌ها فرستاد تا خلقِ آن را آگاه کنند از هستی وی و کمال قدرت و حکمت وی یاری خواهیم از خدای عَزَّوَجَلَّ به تمام کردن این غرض. إِنَّهُ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ. و پس از مقدمه در بخش‌های مختلف کتاب ضمن بیان یک خلاصه هشتصد صفحه‌ای از پزشکی نیاکان از این زاویه، نظاره‌گر جلوه جمال حق نیز بوده و این پیام جاوید را به همه نسل‌ها ابلاغ کرده است ولی وقتی این چهار کتاب (قانون، ذخیره، ابنیه و هدایت) را از نظر غنای ادبیات توحیدی مقایسه می‌کنیم بازهم ذخیره خوارزمشاهی را غنی‌تر از سه اثر دیگر می‌یابیم. (Akhawaini RA.)

و - یافته‌ها و بحث در اولین دایره المعارف اصلی طب سنتی

...و مبدا حکیم عالیقدر، محمد زکریای رازی که ادبیات توحیدی را قبل از اهوازی، ابن سینا و حکیم جرجانی و سایر دانشمندان فوق‌الذکر بر قلم مبارک خود جاری و کتاب حاوی را به عنوان غنی‌ترین دایره‌المعارف پزشکی و بهداشت قبل از قانون ابن سینا تألیف نموده است، به فراموشی سپرده شود! چرا که او نیز به تعبیر قرآن مجید در زمره خردمندان خداجوی و از مصادیق آیه شریفه یرفع الله ... می‌باشد؛ به طوری که بخش‌های مختلف کتاب حاوی را با نام و یاد پروردگار

بخشنده مهربان و درود بر پیامبران الهی آغاز کرده، بیش از ۵۷۰ مرتبه کلمه جلیله الله، بیش از ۲۱۵ بار جمله دعاییه انشاءالله و... را در متن کتاب به کار برده و بدین وسیله افتخار حضور خود در عالمی که محضر خداوند است و حضور مبارک خداوند قادر متعال در تمامی عرصه‌ها و صحنه‌ها را یادآور شده است (Rhazes MZ.).

اهوازی به عنوان نویسنده دومین دائرة المعارف طب سنتی، نیز کتاب کامل الصنایع را با استفاده از ادبیات توحیدی به رشته تحریر درآورده است؛ به طوری که هر دو جلد کتاب را با نام خداوند بخشنده مهربان و درود بر پیامبران الهی آغاز کرده، در مقدمه جلد اول از خداوند منان به خاطر عقل و خردی که به انسان عنایت کرده است، تشکر نموده در متن کتاب بیش از ۲۳۰ بار از کلمه الله استفاده کرده که بیشترین آنها را عبارات «اگر خدا بخواهد»، «خدا داناتر است» و «به کمک خداوند» تشکیل می‌دهد (Ahvazi A. 930-994). وی وصیت‌نامه معروف بقراط را نیز در کتاب خود درج کرده و مطالب دیگری در خصوص اخلاق پزشکی به آن افزوده است. اهوازی در انتهای قسم‌نامه بقراط، بر رعایت «حقوق بیماران تأکید نموده و می‌افزاید: بر پزشک است که مهربان، پاکدامن، با محبت، دوستدار انتخاب کار خیر، خوش کلام و مردمی باشد و بر مداوا و معالجه بیماران و به ویژه فقرا و مساکین، حریص باشد و در برابر آن انتظار منفعت یا پاداش و جبران را نداشته باشد و اگر برایش میسر بود که از مال خود برای آنان دارو تهیه نماید، بهتر است دریغ نرزد و اگر این کار برایش ممکن نبود طرز تهیه آن را برای آنان بیان کند و اگر بیماری آنان سخت بود تا زمانی که از آن نجات می‌یابند و تندرستی‌شان را به دست می‌آورند، هر صبح و شام به ایشان سرکشی نماید؛ زیرا بیماری‌های حاد، بسیار زود دستخوش دگرگونی می‌شوند (Hatami H.

(et al. 2011).

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، دریافتیم که هرچند هر کدام از خردمندان شاعر و عارف و عالم، از زاویه‌ای به طبیعت نگاه کرده‌اند ولی نهایتاً یک چیز را دیده‌اند! جلوه جمال حق را! حضور همیشگی پروردگار را و نظارت و مراقبت دایمی وی را! شعرا از زاویه نمودهای عینی و زیبایی‌های طبیعت نگریسته، عرفا از زاویه مسائل ذهنی نگاه کرده و دانشمندان علوم طبیعی نظیر رویر، رازی، اهوازی، ابن سینا و جرجانی از زاویه فیزیولوژی و آناتومی بدن نظاره کرده‌اند ولی همه آن‌ها زیبایی، عظمت، شکوه، نظم و هدفداری در خلقت و جلوه آثار خالق توانا را دیده‌اند و لذا کتب نفیس خود را با بهره‌گیری از ادبیات توحیدی، نگاشته و نتایج تحقیقات خود را با رعایت آنچه که امروزه اخلاق در پژوهش فضیلت‌محور می‌نامیم، همراه با پیام خداجویی استدلالی به تمامی انسان‌ها ابلاغ و راه را برای نسل‌های بعدی خود هموار نموده‌اند.

جمله هستی در تحرک، در سکون ناطقان کانا الیه راجعون

نطق آب و نطق خاک و نطق گل هست محسوس حواس اهل دل

(Molavi J. 1926)

و مگر زیربنای «سلامت معنوی» را همین جهان‌بینی و همین نگاه توحیدی به جهان هستی تشکیل نمی‌دهد؟

ناگفته نماند که هرچند جرجانی برای تألیف ذخیره خوارزمشاهی از کتاب قانون در طب ابن سینا استفاده‌های فراوانی برده و ابن سینا نیز آن کتاب را با بهره‌گیری از ادبیات توحیدی به رشته تحریر در آورده است ولی از لحاظ این شیوه نگارش، بدون شک ذخیره خوارزمشاهی بسیار، غنی‌تر از قانون، حاوی،

کامل و سایر منابع پزشکی نیاکان می‌باشد و نیز به تعبیر قرآن مجید دریافتیم که دانشمندان افتخارآفرین و پزشکان گرانپایه طب سنتی نیز جزو خردمندان موحد بوده‌اند و با تعریفی که از ادبیات توحیدی، ارائه گردید نگارش کتب آنان با بهره‌گیری از این شیوه بوده است و بدون اینکه فصل یا گفتار بخصوصی را به امر اخلاق پزشکی یا اخلاق در پژوهش، اختصاص دهند، گزارش نهایی تحقیقات خود که شامل دایره‌المعارف‌های چهارگانه است را طوری طراحی کرده‌اند که مملو از پیام‌های اخلاقی و خداجویی است. لازم به تأکید است که ما دست اندرکاران امور پزشکی و بهداشت و دانشجویان این رشته‌ها، دانسته یا ندانسته پا در وادی مقدسی نهاده‌ایم و بار امانت سنگینی را بدوش می‌کشیم. بار امانت محرمیت جان و مال و ناموس مردم و بار امانت مهندسی دستگاهی را که به تعبیر امام علی (ع) «به دستان مبارک حق ساخته شده و عمارتی که به دست پرتوان او بنا شده و خلاصه و عصاره کل هستی و چکیده آنچه در لوح محفوظ است» (Imam Ali) و چه نیکوست که با اقتدا به شیوه توحیدی عرفا و حکمایمان حافظ، فردوسی و مولوی و اساتید و پیشکسوتانمان رازی، اهوازی، ابن سینا، جرجانی و پروفیسور رویر فرانسوی، همواره خود را در محضر خدا احساس کنیم و پندار، گفتار و کردار پزشکیمان را بر بستر عقیدتی محکمی که نشأت گرفته از اعتقاد به ذات باری تعالی و عشق و علاقه به خدمات زیربنایی به هموعان است، بگسترانیم و همانگونه که ابن سینا در زورگویی‌های شش جناح محارب (سامانیان، سلجوقیان، غزنویان، دیلمیان، آل بویه و آل مأمون) اعتنایی به نزاع‌های آنان ننمود و همواره محیط امنی را برای آموزش و پژوهش و تألیف، برگزید (Hatami H. et al. 2012) و ما نیز سعی کنیم ادامه دهنده راه او باشیم و همچون پیشکسوتان افتخارآفرین خود همه ادیان الهی را محترم بشماریم و به تعبیر قرآن، کلیه ادیان الهی را نه تنها

همچون اسلام بلکه خود اسلام و حضرت ابراهیم (ع) را پدر همه دین باوران موحد بدانیم (Quran-f)^۵ و ادبیات توحیدی را در پندار، گفتار و نوشتارمان به کار بندیم و در سختی‌ها از او کمک بخواهیم و خود را برای جهانی شدن توحیدی، مهیا کنیم. و مطمئن باشیم که در چنین فضایی، سلامت معنوی را بهتر درک کرده و همسوی با آن حرکت خواهیم کرد. انشاءالله.

پی نوشت ها

- ۱- وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ، سوره عنکبوت، آیه ۶۹.
- ۲- يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ، سوره مجادله، آیه ۱۱.
- ۳- ان فی خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار لآیات لا ولی الالباب، سوره آل عمران، آیه ۹۰.
- الذین یدکرون الله قیاماً وقعوداً وعلی جنوبهم ویقفکرون فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبجانک فقتنا عذاب النار، سوره آل عمران، آیه ۹۱.
- ۴- وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ. ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ، فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ. سوره مومنون، آیات ۱۴-۱۲.
- ۵- ... مله اییکم ابرهیم هُوَ سَمِیْکُمُ الْمُسْلِمِیْنَ مِنْ قَبْلِ وَفِی هَذَا لَیْکُنَ الرَّسُولُ شَهِیداً عَلَیْکُمْ ... سوره حج، آیه ۷۸

فهرست منابع

- Ahvazi A. (930-994 AD) Kamel-al-Sanaah or al-Maliki _ The Second Encyclopedia of Traditional Medicine _ Translated by: Ghafari SMK, Published in Institute of Islamic Research, Tehran University, 2009. Book #1, pp. 20-22, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/KAMEL-AL-SANAE/KAMEL-AL-SANAAH/KAMEL-CONTENTS.htm>
- Akhawayini RA. Hidayat-al-Mutaallimin, Corrected by: Matini J. Mashhad University Press, 1992. pp.1-811.
- Ansari KA. (1997) Monajat, Ganjineh Publisher, Tehran, Iran, pp. 9.
- FERDOUSI-09. Ferdousi AG. Shahnameh, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://etcweb.princeton.edu/shahnama/v3.htm>.
- Goharin, S. (1995). Hojjatol hagh abu Ali Sina (Avicenna). Tehran, Iran: Toos Publishers. Pp. 58.
- Hafez (1325-1390), Ghazal 485, In: The Divan of Hafeiz, Gooya House of Culture & Art, Iran, 2003. pp. 36.
- Harawi AMM. (977) (Abu Mansur Muvaffak Harawi) Abnyia (Kitab al-abnyia 'an Haqa'iq al-adwiya), corrected by: Bahmanyar A. Tehran University Press. 1967. pp. 1-348.
- Hatami H. (2004), Monotheistic Literature in Canon of Medicine In: An Overview of Iranian Traditional Medicine, Iran University of Medical Sciences, Arjmand publishers, 2004: 115-37. (Cited 2013 February 20). Available from: http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/TRADITIONAL_MEDICINE/TRADITIONAL_MEDICINE_INDEX.htm
- Hatami H. (2009), Principles of Medical Ethics in Ancestor's Medicine. In:

- Hatami H. (ed.) Clinical Epidemiology in Modern & Traditional Medicine, 1st ed. Idehpardazane Fan va Honar Publishers, Tehran; 310-347. [Cited 2012 July 20]. Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/CLINICAL-EPIDEMIOLOGY/E-BOOK/EPIBOOK11.pdf>
- Hatami H, (2011), Hatami M, Abbaszadeh MR, Hatami N. The Priciples of Patients' Rights in Traditional Medicine's Resources, Journal of Medical Law; 5(16): 11-38.
- Hatami H, Hatami M, Hatami N. (2012) The Socio-political Situation of Avicenna's Time and His Spiritual messages: On the Occasion of 1031st Birth Anniversary of Avicenna (23 August 980), International Journal of Religion and Health. Online, DOI: 10.1007/s10943-012-9572-2. PMID: 22302185. Available from: <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed?term=PMID%3A%2022302185>
- Imam Ali, Human Prestige, In: Safi commentary of Quran, Chapter 2, Verse 2.
- JORJANI-1-24. Jorjani SE. (1040–1136a) Zakhireye Khawrazmshahi, (The fourth Encyclopedia of Traditional Medicine), Electronic Version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009, Volume 1, MO1, {K1MO1}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%202.pdf>
- Jorjani SE. (1040–1136b) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 6, Part 1, Chapter 1, {K6G1J1}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%20286.pdf>
- Jorjani SE. (1040–1136c) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 6, Part 16, Chapter 2, {K6G16B2}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%20494.pdf#K6G16B2>
- Jorjani SE. (1040–1136d) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 2, Part 9, Chapter 1, K2G9J1B1. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%20105.pdf#K2G9J1B1>
- Jorjani SE. (1040–1136e) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version.

- Volume 10, Part 2, Chapter 8, {K10G2B8}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%20699.pdf>
- Jorjani SE. (1040–1136f) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 9, Part 3, Chapter 3, {K9G3B3}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%20638.pdf>
- Jorjani SE. (1040–1136g) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 1, Part 2, Chapter 2, {K1G2B2}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/PERSIAN/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%208.pdf#K1G2B2>
- Jorjani SE. (1040–1136h) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 1, Part 4, Chapter 2, {K1G4J2}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%2025.pdf#K1G4J2>
- Jorjani SE. (1040–1136i) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 1, Part 4, Chapter 1, {K1G4J3B1}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%2038.pdf#K1G4J3B1>
- Jorjani SE. (1040–1136j) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 1, Part 6, Chapter 2, {K1G6B2}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%2061.pdf>
- Jorjani SE. (1040–1136k) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 1, Part 4, Chapter 2, {K1G4J1B2}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%2017.pdf#K1G4J1B2>
- Jorjani SE. (1040–1136l) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 2, Part 2, Chapter 3, {K2G2B3}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%2076.pdf#K2G2B4>
- Jorjani SE. (1040–1136m) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 6, Part 19, Chapter 1, {K6G19J3B1}. (Cited 2013 February

- 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%20533.pdf#K6G19J3B1>
- Jorjani SE. (1040–1136n) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 1, Part 1, Chapter 3, {K1G1B3}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%205.pdf#K1G1B3>
- Jorjani SE. (1040–1136o) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 2, Part 9, Chapter 23, {K2G9J1B23}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%20109.pdf#K2G9J1B23>
- Jorjani SE. (1040–1136p) Zakhireye Khawrazmshahi, Electronic Version. Volume 6, Part 21, Chapter 4, {K6G21B4}. (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/JORJANI/ZAKHIREH-SIRJANI/Zakhireh-SIRJANI%20572.pdf#K6G21B5>
- Khomeini R. Imam's Sahifah, Volume 8, pp. 112. <http://www.hawzah.net/fa/magart.html?MagazineID=0&MagazineNumberID=6961&MagazineArticleID=83940>
- Molavi J. (1926), The Mathnawi, Translated by: Nicholson R. Book Production Consultants, Cambridge, England, Book 6, pp. 277.
- MOLAVI-48. Molavi J. (1926), The Mathnawi, Translated by: Nicholson R. Book Production Consultants, Cambridge, England, Book 3. http://www.moridemolana.com/new_page_4.htm
- Mulla Sadra (Sadr al-Din al-Shirazi) (1572-1640): *Asfar (The Four Journeys)*. Pp. 444. <http://www.muslimphilosophy.com/ip/rep/H027.htm>
- QURAN-1-03. Quran (~ 650a). Chapter 58 (Mujadilah), Verse 11, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://corpus.quran.com/translation.jsp?chapter=58&verse=11>
- QURAN-2-05. Quran (~ 650b). Chapter 3 (Al-Imran), Verse 190&191, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://corpus.quran.com/translation.jsp?chapter=3&verse=190> and <http://corpus.quran.com/translation.jsp?chapter=3&verse=191>
- QURAN-3-22. Quran (~ 650c). Chapter 23 (Muminum), Verse 12-14, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://corpus.quran.com/translation.jsp?chapter=23&verse=12> and <http://corpus.quran.com/translation.jsp?chapter=23&verse=13> and <http://corpus.quran.com/translation.jsp?chapter=23&verse=14>

- QURAN-4-33. Quran (~ 650d). Chapter 29 (Ankabut), Verse 69, (Cited 2013 February 20). Available from:
<http://corpus.quran.com/translation.jsp?chapter=29&verse=69>
- QURAN-5-39. Quran (~ 650e), Chapter 6, Verses 96.
<http://corpus.quran.com/translation.jsp?chapter=6&verse=96>
- Quran (~ 650f). Chapter 22 (Surat Hajj), Verse 78, (Cited 2013 February 20). Available from:
[http://corpus.quran.com/wordmorphology.jsp?location=\(22:78:15\)](http://corpus.quran.com/wordmorphology.jsp?location=(22:78:15))
- Rhazes M. Alhavi, the first Encyclopedias of Traditional Medicine. (Cited 2013 February 20). Available from:
<http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/RAZI/HAVI.htm>
- Roviere H. (1944), Vie Et Finalite, Masson & C Editeurs, Paris, pp. 1-148.
- Sina H (Avicenna, 980-1037a). Introduction, Canon of Medicine, Electronic version. Computerized by: Hatami H. Ministry of Health and Medical Education, Deputy of Research: 2009. Book1, Part3, Chapter 19, {K3FA19G1F1} (Cited 2013 February 20). Available from:
<http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-03/CANON0-FAR-03%20955.pdf>
- Sina H (Avicenna, 980-1037b). Book 1, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-01/CANON0-FAR-01%202.pdf>.
- Sina H (Avicenna, 980-1037c). Avicenna's Canon of Medicine, Volume 2 {K2-A}, Electronic Version, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-02/CANON0-FAR-02%202.pdf>.
- Sina H (Avicenna, 980-1037d). Avicenna's Canon of Medicine, Volume 3 {K3}, Electronic Version, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-03/CANON0-FAR-03%202.pdf>.
- SINA-5-16. Sina H (Avicenna, 980-1037e). Avicenna's Canon of Medicine, Volume 2 {K2J2GHF24-30}, Electronic Version, (Cited 2013 February 20). Available from:
<http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-02/CANON0-FAR-02%20530.pdf>
- SINA-6-17. Sina H (Avicenna, 980-1037f). Avicenna's Canon of Medicine, Volume 3 {K3FA16G1F1}, Electronic Version, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-03/CANON0-FAR->

- 03%20777.pdf .
- SINA-7-18. Sina H (Avicenna, 980-1037g). Avicenna's Canon of Medicine, Volume 3 {K3FA19G1F1}, Electronic Version, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-03/CANON0-FAR-03%20956.pdf> .
- SINA-8-19. Sina H (Avicenna, 980-1037h). Avicenna's Canon of Medicine, Volume 1 {K1FA1T5J1F6}, Electronic Version, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-01/CANON0-FAR-01%2044.pdf> .
- SINA-9-20. Sina H (Avicenna, 980-1037i). Avicenna's Canon of Medicine, Volume 1 {K1FA1T3F2}, Electronic Version, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-01/CANON0-FAR-01%2014.pdf> .
- SINA-9-B-21. Sina H (Avicenna, 980-1037j). Avicenna's Canon of Medicine, Volume 3 {K3FA16G1F1}, Electronic Version, (Cited 2013 February 20). Available from: <http://www.elib.hbi.ir/persian/TRADITIONAL-MEDICINE/CANON-WEB/CANON-03/CANON0-FAR-03%20777.pdf> .
- USTUN-04. Üstün & Jakob. Re-defining Health, Bulletin of the World Health Organization. 2005; 83: 802. (Cited 2013 February 20). Available from: http://www.who.int/bulletin/bulletin_board/83/ustun11051/en/ and http://www.medizin-ethik.ch/publik/spirituality_definition_health.htm

یادداشت شناسه مؤلف

حسین حاتمی: دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

محمد رنجباریان: معاون فرهنگی دانشکده بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. نویسنده مسؤول.

پست الکترونیک: m_ranjbariyan@yahoo.com

مریم حاتمی: گروه آموزشی داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی، تهران، ایران.

ندا حاتمی: گروه آموزشی داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۹/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۱/۲۵